



کرونا، سوهدین کوچ در آموزشگری

هدف‌نویسی برای آموزش، تبدیل هدف‌ها به محتوای درسی، و چگونگی تدریس و ارزشیابی آن از مهم‌ترین دغدغه‌های برنامه‌ریزان درسی شد.

انقلاب اول در حوزه نگاه به مقوله آموزش به واسطه جنگ جهانی دوم روی داد؛ آنجا که دولت‌ها دریافتند باید به سرعت گروه‌های زیادی را در حوزه‌های متفاوت آموزش دهند و به شایستگی انجام کار برسانند. از این‌رواز توجه به تفاوت‌های فردی کاستند و با اتخاذ آموزش‌های گروهی، هزینه‌های سرانه نظام آموزشی را کاهش دادند. این رهیافت اگرچه زود بازده می‌نمود، اما در درازمدت خلأ وجود تخصص‌های خاص، خلاقیت‌های نوظهور و آنچه به آن پرورش استعداد‌های فردی می‌گوییم، بروز کرد. اگرچه در سال‌های پس از پایان جنگ جهانی، اندیشه‌های نقادانه دست به جراحی و تعدیل اندیشه‌های آموزشی زدند و نظرسورزی و نظریه‌پردازی‌های متعددی در حوزه‌های روان‌شناسی، علوم اجتماعی و مطالعات برنامه‌درسی متولد شدند.

آموزش همانند اقتصاد، ماهیتی حساس به تمامی کنش‌های اجتماعی - سیاسی دارد. پیدایش هژمونی شرق و غرب در جهان قرن بیستم و شروع جنگ سرد، تأثیراتی انکارناپذیر بر این مفهوم حساس و ظریف گذاشت. اگرچه نمی‌توان انقلاب دوم را مانند انقلاب

«آموزشگری» و «پداگوژی» مفهومی متعالی، و به‌عنوان یک علم نیازمند توجه عالمانه است. این روزها که جوامع از شیوع همه‌گیری جهانی (پاندمی) کرونا متأثرند و بنا بر آمارها، ۸۵ درصد از فعالیت‌های مدرسه‌های جهان تعطیلی را تجربه کرده و تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، خانواده‌ها و دولت‌ها در پی یافتن راهی برای جبران خلأ حضور در مدرسه هستند. در این میان مفهومی به نام «خانه مدرسه»، به‌عنوان اولین و شاید تنها راه حل مطرح است و توجه دوباره به این مفهوم مولود وضعیت کنونی است. حقیقت این است که اکنون آموزش از فضای مدرسه و کلیشه خود خارج شده و کوچ اجباری آموزش به محیط خانه و جامعه را شاهد هستیم.

اگر به تاریخ علم آموزش و مطالعات برنامه‌درسی نگاهی دوباره بیندازیم، شاهد برخی کوچ‌ها و تحولات در رویکردهای آموزشی هستیم. چرخش‌هایی که می‌توان آن‌ها را «رئیس‌فکری» یا «انقلاب آموزشگری» نامید. در سال ۱۹۱۸، جان فرانکلین بابیت کتابی با عنوان «چگونه یک برنامه‌درسی تدوین کنیم»^۱ نوشت و برای تفکر روشمند و عالمانه در حوزه برنامه‌درسی ریل‌گذاری کرد. با این سرآغاز، «چگونه آموختن»^۲ به یادگیرندگان همپا و هم‌تراز با «چه آموختن»^۳ به یادگیرندگان تکامل یافت و موضوع‌هایی چون

کلیدواژه‌ها:

آموزشگری، پداگوژی، کرونا، مطالعات برنامه‌درسی

**حقیقت این است
که اکنون آموزش
از فضای مدرسه
و کلیشه خود
خارج شده و کوچ
اجباری آموزش
به محیط خانه و
جامعه را شاهد
هستیم**

**آموزش همانند
اقتصاد، ماهیتی
حساس به
تمامی کنش‌های
اجتماعی-سیاسی
دارد**

*** پی‌نوشت‌ها**

1. Home School
2. John.F.Bobbitt
3. How to Make a Curriculum
4. How to Teach
5. What to Teach
6. 1945-1939

۲. اثرگذاری و ضریب نفوذ

در قرن اخیر عوامل بسیاری بر جامعه جهانی اثر گذاشته‌اند. بسیاری از بیماری‌ها، رکودهای اقتصادی و سقوط حکومت‌ها رخ داده‌اند. اما اثرگذاری هیچ کدام از این عوامل تا این حد به درون زندگی و خانه‌های مردم نفوذ نکرده و حتی ساده‌ترین و شخصی‌ترین امور را به اجبار تغییر نداده است. به طریق اولی، هیچ عاملی هم تا این حد در آموزش اثرگذار نبوده است.

۳. سرعت اثر و غافلگیری

کرونا نه آرام‌آرام، بلکه به یک‌باره و در کمتر از چند ماه تمامی جوامع را از انکار و ناباوری به ورطه هشدار و بحران کشاند. این سرعت اثر، نامادگی نظام آموزشی را عیان‌تر کرد.

به نظر می‌رسد با توجه به دلایل اشاره شده، دوران کنونی، دورانی است که آیندگان از آن به‌عنوان یکی از نقاط عطف در آموزشگری و تاریخ مطالعات برنامه درسی یاد می‌کنند. از این‌رو، بایسته است با پذیرش این حقیقت که رنسانسی در نظام آموزشگری در حال وقوع است، به انتظار بیهوده برای پایان یافتن این دوران و بازگرداندن رویکردهای آموزشی به دوران پیش از کرونا پایان دهیم. و شایسته است که به آینده و تبدیل این تهدید به فرصت بنگریم.

اکنون که هم‌زمانی اثر کرونا را در جوامع مختلف شاهد هستیم، فرصت خوبی است تا این بار از تحولات جهانی عقب‌نمانیم. با نگاهی جامع‌نگر به حوزه مطالعات جهانی، از دوباره آزمودن آموزه‌ها بپرهیزیم. در کلام جامع‌تر، می‌توانیم تجربه‌های کشور خود را که حتماً برای بسیاری از کشورهای جهان سازنده و ارزنده خواهد بود، در قالبی مدون، مستند و قابل بحث به جهانیان عرضه کنیم. علاوه بر این، باید بدانیم با گذشت چندین ماه از همه‌گیری این بیماری، همچنان تعداد قربانیان و مبتلایان روزانه بالاست و نباید به پایان زود هنگام آن چندان امیدوار بود.

آنچه جای نگرانی دارد، نگاه منفعلانه و به انتظار نشستن همه ارکان دخیل در آموزش (اعم از برنامه‌ریزان درسی تا خانواده‌ها) برای پایان یافتن این دوران و بازگشت به دوران قبل از کرونا است؛ دورانی که احتمال بازگشت آن بسیار اندک است. با این نگاه در صورت برگشت به گذشته نیز، به علت استفاده نکردن از این فرصت برای کوچ در فرایند آموزش، از پیشرفت‌های جامعه جهانی فرسنگ‌ها فاصله خواهیم گرفت.

اول ناشی از یک عامل تلقی کرد، اما نقطه عطف این اثرگذاری را می‌توان در شروع «عصر فضا» دانست. آنجا که «اسپوتنیک ۱» در سال ۱۹۵۷، به‌عنوان اولین فضاپیما، به فضا پرتاب می‌شود و چند سال پس از آن، در سال ۱۹۶۱، پوری گاگارین با سفینه «زستک-۱» اولین انسانی بود که به فضا سفر کرد.

دستیابی به این دو موفقیت که فضای رسانه‌های آن دوران را کاملاً به نفع بلوک شرق تغییر داد، نقش پررنگی در تغییر گفتمان غالب و رویکرد حاکم در نگاه به برنامه درسی به‌وجود آورد. مدرسه‌های غرب (و به‌ویژه آمریکا، به‌عنوان صاحب سبک آموزش غربی و امپریالیستی) به سمتی حرکت کردند که بتوانند سهم خود را به‌عنوان قدرت اول علمی، اقتصادی و نظامی جهان باز یابند و آن را حفظ و تقویت کنند.

این چرخش و انقلاب رویکردی نیز باز به کاهش توجه به علاقه‌مندی‌های فردی و تدوین هدف‌های آموزشی جدید منجر شد؛ هدف‌هایی که در تلاش بودند، هر دانش‌آموز را به چرخ‌دنده‌ای برای به حرکت درآوردن ماشین علمی-اقتصادی کشور بدل کنند. در این نگاه، کمال یک دانش‌آموز در پاسخ‌گویی به نیازهای دنیای کار تلقی می‌شد. این دیدگاه هنوز هم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته مورد پذیرش است و در نگاه اول نیز کاملاً عقلایی و منطقی به نظر می‌رسد. علت اینکه در نظام آموزشی ایران به وضوح نمی‌توان این چرخش‌ها و انقلاب‌ها را یافت این است که اولاً علم برنامه درسی با تأخیر به جامعه ایران پا گذاشت و در هنگامه بسیاری از این تحولات، هنوز هویت علمی خود را تعریف‌شده نمی‌یافت. ثانیاً برخی از تحولات جامعه جهانی بر گستره و بافت فرهنگی-اجتماعی ایران کم‌تأثیر بود و طبیعتاً در نظام آموزشی ایران نیز تأثیر چندانی نمی‌گذاشت. چرا که فضای فکری، اقتصادی، اجتماعی و یا فرهنگی کشور، مهیای پذیرش، نظریه‌پردازی و کاربست دیدگاه‌های مطرح‌شده در جامعه جهانی نبود.

اما به نظر می‌رسد همه‌گیری جهانی کرونا به چند علت امکان بدل شدن به عامل آغاز عصر جدید و انقلاب آموزشگری را داراست:

۱. جامعیت

بعد از جنگ جهانی دوم که شاید بتوان آن را فراگیرترین رخداد چند قرن اخیر دانست، همه‌گیری جهانی کرونا از نظر وسعت و جامعیت با هیچ پدیده دیگری قابل مقایسه نیست.